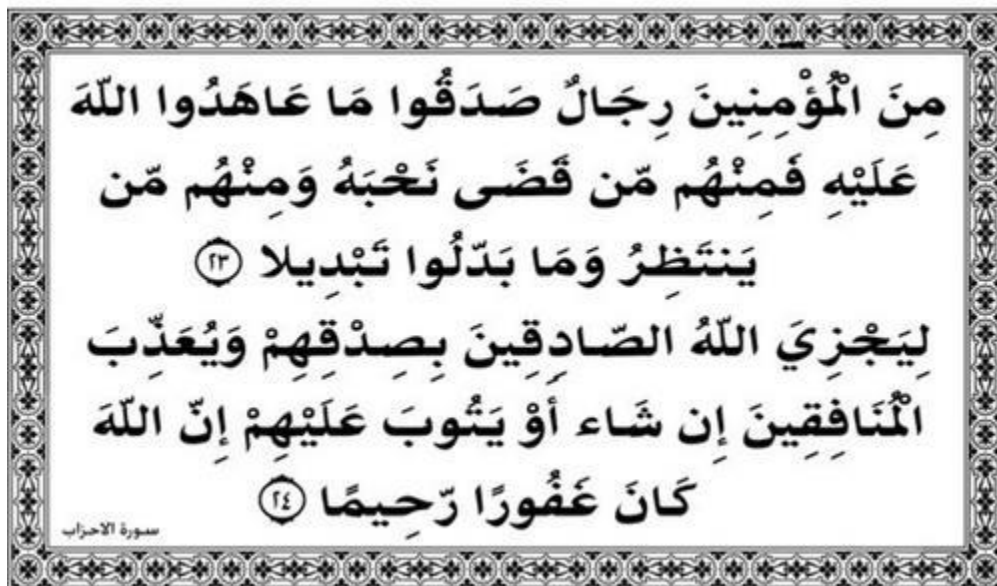


اعلامیه مطبوعاتی

کوزی بایوف سلطان یکی از شهدای دیگر، در زندان طاغوتی امام علی رحمن مستبد (شهادت مقامی ست که از سوی الله سبحانه و تعالی اعطا می شود؛ نه از سوی انسان)
(ترجمه)



﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ ۝ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ ۝ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾

[احزاب: ۲۳]

ترجمه: در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سری عهدی که با الله (سبحانه و تعالی) بستند، صادقانه ایستاده‌اند؛ برخی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و برخی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود راه ندادند.

اخیراً کوزی بایوف سلطان یکی دیگر از اعضای حزب التحریر در زندانی طاغوتی و استبدادی علی رحمن در تاجکستان به رحمت حق پیوست. سلطان که تقریباً ۱۸ سال عمرش را در زندان امنیتی طاغوتی تاجکستان سپری نمود، ۴۷ سال عمر داشت. او به این دلیل روانه زندان شد که؛ تمام تلاشش را به خاطر از سرگیری زندگی اسلامی در چهار چوب حزب التحریر در تاجکستان به خرج داده بود.

کوزی بایوف سلطان (رحمه الله) در سال ۱۹۷۱ م متولد شد و از ثمره ازدواجش، پدر چهار طفل بود. او دو مدرک تحصیلات داشت و زندانیان وی را دایرة المعارف متحرک صدا می‌کردند. سلطان در سال ۱۹۹۹ م به حزب پیوسته و دعوتش را به سوی اسلام آغاز

کرد. در واقع سلطان، در ۱۵ جنوری سال ۲۰۰۰م توسط سرویس‌های ویژه ستادعلی رحمن مستبد بازداشت شد، و پس از روانه شدنش به زندان امنیتی "بلاک ۷/۳" این کشور، تحت شکنجه شدید قرار گرفت. سلطان در زندان بیمار شد، و پس از این‌که این بیماری بعداً به بیماری درد استخوان در پایش نفوذ کرد، پایش را عملیات نمود. اما در نهایت این بیماری قامتش را خم نموده و جاننش را گرفت.

سلطان در سال ۲۰۰۴م پس از دوره معینه‌اش در زندان، آزاد شده و بلافاصله فعالیت‌هایش را برای حمل دعوت اسلامی در تاجکستان آغاز نمود. ولی در سال ۲۰۰۵م برای بار دوم دست‌گیر و به مدت زمان طولانی محکوم به زندان گردیده و به یکی از زندان‌های استبدادی "بلاک ۳/۳" (زندان‌هایی که در شکنجه و عذاب زندانیان معروف است) در تاجکستان منتقل شد. این زندان، زندانی است که زندانیان در آن، پیوسته مورد تفتیش و بازرسی قرار می‌گیرند و ضمناً تمام اعضای حزب التحریر به صورت آبی در این‌گونه زندان‌ها مورد شکنجه قرار می‌گیرند. سلطان بلاخره به مرض توبرکلوز گرفتار شد و در مدت زمانی در شفاخانه زندان به سر می‌برد. یکی از کارمندان اداره رحمن وعده کرد که او را بلافاصله تحت یک شرط آزاد کند و آن، این‌که سلطان باید قول دهد که از دعوت به اسلام باز ایستد؛ اما این داعی مخلص از پذیرفتن چنین شرطی امتناع ورزید. او به این دلیل، از این امر سر باز زد که در زمانی‌که در زندان سال‌ها از مریضی رنج می‌برد، پیش خود تصمیم قاطع گرفته بود که تحت هر شرایطی و به هر قیمتی که می‌شود، تا دم مرگ از دعوت به اسلام ابا نمی‌ورزد.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر نهایت تسلیت و غم شریکی‌اش را به خانواده این داعی بزرگ رحمه الله ابراز می‌دارد و از بارگاه الله سبحانه و تعالی صبر جمیل و اجر جزیل برای خانواده مرحوم استدعا می‌کند. و هم‌چنان از الله سبحانه و تعالی می‌خواهد تا سلطان مرحوم را در جمع شهداء محسوب نماید؛ زیرا شهادت مقامی ست که از طرف او تعالی اعطا می‌شود، نه از طرف بشر! و از سوی دیگر، از بارگاه رب العزت می‌خواهد؛ علی رحمن و رژیم ظالم و مستبدش را به همراه تمام پیروان و همکارانش از بیخ و بنیاد نابود نموده و مسلمانان زندانی را که برای برقراری و نسب امام و سپر امت (خلیفه) که از عقب آن جنگیده می‌شود و به آن پناه برده می‌شود، هرچه زودتر آزاد نماید. حقیقتاً که این امر بر الله سبحانه و تعالی خیلی آسان است و الله متعال بر انجام هر چیز قادر است!

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

شماره صدور: AH۰۰۹/۱۴۳۹

۱۳ جمادی الاول ۱۴۳۹ هـ.ش

۳۰ جنوری ۲۰۱۸م